

به نام خدا

جنگ جهانی اول





کلاهخود اولیهٔ بریتانیایی ضد گاز «هیپو»



تابلوی ایستگاه ایپر، ۱۹۱۶



کتابی که گلوله‌ای را متوقف کرد



هواپیمای شناسایی
B.E.۲c بریتانیایی



کلاهخود نظامیان آلمانی



بمب آتش‌زای بریتانیایی
«اسکلت»



پریسکوپ سه‌بُعدی آلمانی



بمب آتش‌زای آلمانی که
در نخستین حمله به لندن
به کار رفت



نمونهٔ آمبولانس‌های موتوردار بریتانیایی که در
جبههٔ غرب از آن‌ها استفاده می‌شد

شلیک مرگ بار

شاهد عینی



فرانتس فردیناند

آرشیدوک فرانتس فردیناند (۱۸۶۳-۱۹۱۴) ولیعهد و وارث تاج و تخت امپراتوری اتریش-هنگری بود. او برنامه‌هایی برای بهبود رابطه در میان ملیت‌های بسیاری داشت که وقتی امپراتور می‌شد، جزئی از امپراتوری او بودند، اما قتل او باعث آشوب و بی‌نظمی در سرتاسر قاره شد.



آلمان شادمان می‌شود

آلمان روز اول ماه اوت بسیج عمومی اعلام کرد و همان شب علیه روسیه، و روز ۳ اوت، علیه فرانسه اعلان جنگ داد. بسیاری از غیرنظامیان آلمانی (چپ) به منظور حمایت از قیصر و کشور خود، برای نام‌نویسی در ارتش صف بستند.



سرباز سوار ارتش اتریش-هنگری، هنگ هشتم نیزه‌دار



روز ۲۸ ژوئن سال ۱۹۱۴، ولیعهد و وارث تاج و تخت امپراتوری اتریش-هنگری، آرشیدوک فرانتس فردیناند، در شهر سارایوو، واقع در بوسنی، هدف گلوله قرار گرفت و جان سپرد. صربستان، همسایه بوسنی، مدعی مالکیت این سرزمین بود؛ در نتیجه امپراتوری اتریش-هنگری، صربستان را در این سوءقصد مقصر دانست و روز ۲۸ ژوئیه به این کشور اعلان جنگ داد. آلمان از اتریش-هنگری پشتیبانی کرد، روسیه مدافع صربستان شد، و فرانسه به پشتیبانی از روسیه پرداخت. هنگامی که آلمان، سر راه حمله به فرانسه، به بلژیک حمله کرد که اعلام بی‌طرفی کرده بود، بریتانیا به آلمان اعلان جنگ داد. جنگ بزرگ شروع شده بود.

ارتش اتریش-هنگری

امپراتوری اتریش-هنگری سه ارتش داشت: ارتش اتریشی، ارتش مجارستانی، و «ارتش مشترک». افراد این سه ارتش به ده زبان مختلف صحبت می‌کردند و همین موضوع باعث می‌شد برقراری ارتباط بین آن‌ها دشوار شود.

آرشیدوک و همسرش سوفی، در صندلی عقب این ماشین روباز نشسته بودند.



پرینسیپ روی رکاب ماشین ایستاد و از فاصله نزدیک شلیک کرد.

یک روز در سارایوو

شش سوءقصدکننده، با این باور که بوسنی باید جزئی از صربستان باشد، در سارایوو به کمین آرشیدوک نشستند. یکی از آن‌ها بمبی را به طرف آرشیدوک پرتاب کرد، اما بمب از ماشین بیرون افتاد و چند دقیقه بعد منفجر شد. هنگامی که آرشیدوک و همسرش به بیمارستان رفتند تا از افسر مجروح شده بر اثر انفجار بمب عیادت کنند، یکی از سوءقصدکنندگان به نام گاوریلو پرینسیپ، از رکاب ماشین سلطنتی بالا رفت و از نزدیک به این زوج شلیک کرد. این رویداد غم‌انگیز، آتش جنگ بزرگ را روشن کرد.

۳۰ ژوئیه روسیه برای

پشتیبانی از متحد خود، صربستان، بسیج می‌شود.

اول ماه اوت آلمان علیه

روسیه بسیج می‌شود و اعلان جنگ می‌دهد.

۲۵ ژوئیه صربستان با بیشتر

درخواست‌های اتریش-هنگری موافقت می‌کند.

۲۸ ژوئیه اتریش-هنگری

شرایط صربستان را نادیده می‌گیرد و به این کشور اعلان جنگ می‌دهد.

۲۳ ژوئیه

اتریش-هنگری به صربستان اولتیماتوم می‌دهد و استقلال این کشور را تهدید می‌کند.

۲۸ ژوئن به جان آرشیدوک

فرانتس فردیناند سوءقصد می‌شود.

۵ ژوئیه اتریش-هنگری، به طور کامل

پشتیبانی می‌کند.

زنان در جنگ

مردان بسیاری برای جنگیدن به جبهه‌ها رفته بودند و کشورها کمبود کارگر داشتند. قبل از آن هم بسیاری از زنان مشغول کار شده بودند، اما فقط به کارهای خانگی، پرستاری، آموزش، یا کار در مزارع خانوادگی می‌پرداختند؛ کارهایی که در آن زمان برای زنان مناسب تشخیص داده می‌شد. اکنون زنان کار در کارخانه‌ها، راندن کامیون و آمبولانس، و تقریباً هر کار دیگری را که قبلاً فقط مخصوص مردها بود، شروع کرده بودند. با پایان یافتن جنگ، انتظار می‌رفت بیشتر زنان به انجام امور خانگی و خانه‌داری برگردند.



این پوستر روسی مربوط به سال ۱۹۱۶، یک زن کارگر کارخانه را نشان می‌دهد.

پشتیبان کشور خود باش

از تصویر زنانی که در شغل‌های معمولاً مردانه کار می‌کردند، برای جلب حمایت از جبهه‌های جنگ استفاده می‌شد. پوستر این دختر روسی مردم را تشویق به خرید اوراق قرضه جنگ می‌کند.

رسته‌های امدادی زنان در ارتش

بسیاری از زنان در واحدهای امدادی نظامی حاضر شدند تا مردانی که قبلاً در این واحدها کار می‌کردند بتوانند به خط مقدم بروند. این نخستین باری بود که زنان در مشاغل نظامی، غیر از پرستاری، خدمت می‌کردند. آن‌ها کامیون می‌راندند، موتور تعمیر می‌کردند، و امور مهم اداری و تدارکاتی را به عهده گرفته بودند. تا پایان جنگ، ۵۰۰۰ زن بریتانیایی برای خدمت در رسته‌های امدادی زنان ارتش داوطلب شده بودند. این رسته‌ها بعداً رسته‌های امدادی ارتش ملکه آن (QMAAC) نام گرفتند.



تصویر یک داوطلب خدمت در رسته امدادی ارتش ملکه آن

شاهد عینی



اِلِزی ناکر (۱۸۸۴-۱۹۷۸) (پایین، راست)، پرستار و راننده آمبولانس، اهل بریتانیا، در دوران جنگ جهانی اول خدمت کرد. او و دوستش میثری چیزوم (پایین، چپ) یک پست پرستاری برای پانسمان مجروحان، درست پشت خط مقدم تشکیل دادند. آن‌ها در سال ۱۹۱۸ بر اثر حمله شیمیایی مجروح شدند و به خانه برگشتند.



رزمندگان روسی

در سال ۱۹۱۷ روسیه چندین گردان رزمی تشکیل داد که فقط زنان در آنها خدمت می کردند. از همه معروف تر و پرافتخارتر، «گردان مرگ زنان» بود.



ارتش زمینی زنان

در دوران جنگ، دو طرف ناچار شدند تولید مواد غذایی در کشورهای خود را به شدت افزایش دهند، زیرا هر طرف از ورود مواد غذایی به کشور دشمن جلوگیری می کرد. میلیون ها زن از قبل هم در مزارع سراسر اروپا روی زمین کار می کردند، اما بریتانیا با کمبود کارگر کشاورزی روبه رو شد. در فوریه سال ۱۹۱۷، ارتش زمینی زنان در بریتانیا تشکیل شد و ۱۱۳۰۰۰ زن به این ارتش پیوستند تا نیروی کار لازم در مزارع تأمین شود؛ این زنان دستمزد خوبی هم دریافت می کردند.



کارگری در فقر

جنگ باعث بهبود وضعیت و افزایش ثروت بسیاری از زنان شد، اما همه زنان از این شرایط بهره نبردند. در کارخانه های ایتالیا (بالا)، آلمان، و روسیه زنان ساعت های سخت و طولانی در کارخانه ها کار می کردند، اما به ندرت دستمزد کافی برای تأمین غذای خانواده خود می گرفتند. در نتیجه اعتصاب های زنان کارگر بسیار متداول بود.

زنان، در نامه هایی که به مردان در حال خدمت در خط مقدم می نوشتند، رویدادهای خانه را شرح می دادند.



دستمال توری

یادداشت هایی از خانه

زنها به شوهران، برادران و پسران خود که در خط مقدم می جنگیدند، نامه می نوشتند. زن ها غالباً یادگاری هایی مثل عکس یا گل خشکیده همراه نامه می فرستادند تا آنها را به یاد خانه ببیند. با این کار روحیه این سربازان گرفتار غربت، که غالباً به شدت ترسیده بودند، بالا می رفت. مردان نیز یادگاری هایی، مانند این دستمال های توری گل دوزی شده، به خانه می فرستادند.

حمله شیمیایی

روز ۲۲ آوریل سال ۱۹۱۵، نیروهای الجزایری فرانسه، در نزدیکی شهر ایپر، در بلژیک، متوجه شدند که ابری به رنگ زرد مایل به سبز، از سمت خطوط آلمانی‌ها به طرف آن‌ها در حرکت است. این ابر از گاز کلر تشکیل شده بود. این اولین باری بود که در جنگ از گاز سمی به صورت مؤثری استفاده می‌شد و نیروهای طرف مقابل هیچ محافظتی در برابر اثرات خفه‌کننده آن نداشتند. طی سه سال بعدی، گازهای جدید و تاکتیک‌های جدید برای حمله با گاز به کار رفت و ۹۱۰۰۰ نفر بر اثر این حمله‌ها کشته شدند.

اخطار اولیه

اولین ماسک‌های ضد گاز زمخت بودند و کارآیی چندانی نداشتند. عینک‌های ایمنی از چشم‌ها محافظت می‌کردند و ماسکی هم روی دهان را می‌گرفت که از پارچه آغشته به مواد شیمیایی خاصی ساخته می‌شد که گاز را بی‌اثر می‌کردند.



عینک ضد گاز
بریتانیایی



کلاه «هیپو»ی بریتانیایی



ماسک تنفسی از
پارچه فلانل



ماسک تنفسی
سیاه



سوت اعلام خطر
حمله با گاز

ماسک کوچک
تنفسی بریتانیایی



انقباض دست

دستکش‌های چرمی، وقتی در معرض بعضی از انواع گاز قرار می‌گرفتند، منقبض و کوچک می‌شدند. همین اتفاق برای شش‌های انسان هم می‌افتاد.



دستکش منقبض
شده به وسیله
گاز



دستکش معمولی

همه با هم

در اواسط جنگ، هر دو طرف کلاه‌های محافظی به سر می‌گذاشتند که ماسک صورت، عینک ایمنی، و ماسک تنفسی داشتند. این کلاه‌ها از چشم‌ها، بینی، و گلو، در برابر اثرات مرگ‌بار گاز، محافظت می‌کردند. هشدار حمله با گاز، مانند سوت کشیدن (چپ)، شیپور زدن، و به صدا درآوردن زنگ، خبر از حمله با گاز در آینده بسیار نزدیک می‌داد.

در معرض حمله

نخستین اثرات گاز روی صورت و در چشم‌ها حس می‌شد، اما طی چند ثانیه گاز وارد گلوی فرد می‌شد. وقتی گاز در گلوی سربازان پایین می‌رفت دچار سرفه می‌شدند و احساس خفگی می‌کردند. اثرات بلندمدت به نوع گاز بستگی داشت - بعضی از سربازان به سرعت نمی‌مردند، بعضی دیگر تا آخر عمر کور می‌شدند یا بدنشان به طور وحشتناکی تاول می‌زد یا دچار مرگ تدریجی می‌شدند، زیرا شش‌های آن‌ها از کار می‌افتاد و آب می‌آورد. این عکس نیروهای آمریکایی را نشان می‌دهد که در معرض حمله با گاز قرار گرفته‌اند و برای آموزش تازه‌کارها از آن استفاده می‌کردند.



جانوران در جنگ

هر موجود زنده‌ای در برابر گاز آسیب‌پذیر بود. هزاران اسب که دو طرف برای سواری، حمل تجهیزات و تدارکات، از آن‌ها استفاده می‌کردند در معرض گاز قرار داشتند. این سرباز سوار آلمانی و اسبش، هر دو ماسک ضد گاز دارند.



ماسک گاز آلمانی

چشم‌های بی‌محافظ

ماسک تنفسی برزنتی



گاز گرفته‌ها

در تابلوی گاز گرفته‌ها، تابلوی نقاشی سال ۱۹۱۹ اثر جان سینگر سرچنت، هنرمند آمریکایی، صف سربازان نابینا نشان داده شده است که هم‌قطاران بینا آن‌ها را به طرف یک مرکز پانسمان در اراس، واقع در شمال فرانسه، هدایت می‌کنند. این واقعه در اوت سال ۱۹۱۸ رخ داده بود.

گلوله‌های شیمیایی آلمانی

گلوله‌های شیمیایی آلمانی حاوی گاز مایع بودند که هنگام برخورد با هدف، در هوا تبخیر می‌شدند. از چندین نوع گاز استفاده می‌شد. دی‌کلرواتیل سولفید، معروف به «گاز خردل»، پوست را می‌سوزاند و باعث نابینایی موقت می‌شد و در صورتی که فرو داده می‌شد، شش‌ها را پیراز مایع می‌کرد و باعث مرگ بر اثر سینه‌پهلو می‌شد. دی‌فنیل کلروآرسین (روغن عطسه‌آور) باعث عطسه‌های شدید می‌شد و سربازان را مجبور می‌کرد ماسک خود را بردارند. هر دو طرف از گلوله‌های حاوی گاز علیه دشمن استفاده می‌کردند.

فسفوژن و دی‌فسفوژن



گاز اشک‌آور



دی‌فسفوژن و دی‌فنیل کلرو آرسین (روغن عطسه‌آور)



دی‌فسفوژن

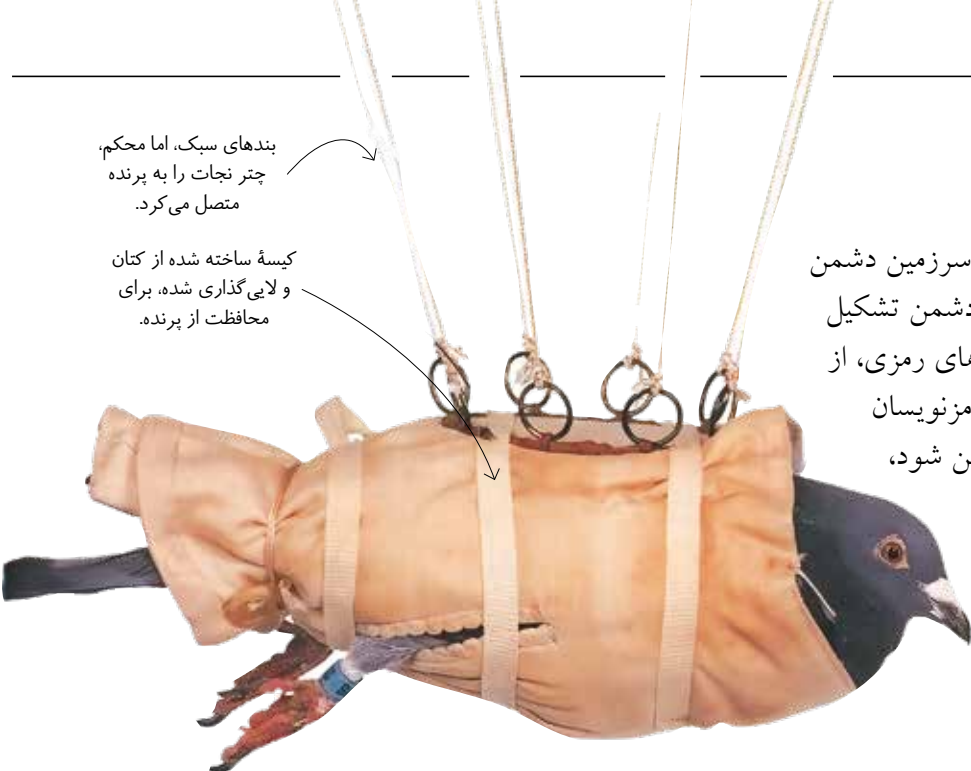


گاز خردل



جاسوسی

هر دو طرف مشکوک بودند که طرف مقابل صدها جاسوس را در سرزمین دشمن به کار گرفته است. اما بیشتر عملیات جاسوسی از شنود ارتباطات دشمن تشکیل می شد. کشف یا شکستن رمز بسیار مهم بود، زیرا دو طرف با پیام های رمزی، از طریق تلگراف و بی سیم، اطلاعات را ارسال و دریافت می کردند. رمزنویسان رمزهای پیچیده ای می ساختند تا انتقال مطمئن پیام های خودی ممکن شود، و در عین حال مهارت خود را برای شنود و رمزگشایی از پیام های دشمن به کار می گرفتند.



بندهای سبک، اما محکم، چتر نجات را به پرنده متصل می کرد.

کیسه ساخته شده از کتان و لایه گذاری شده، برای محافظت از پرنده.

پست کبوتری

بیش از ۱۰۰۰۰۰ کبوتر برای انتقال پیام بین مأموران اطلاعاتی و پایگاه های خودی به کار گرفته شدند. کبوترها را با چتر نجات در سرزمین های اشغالی فرود می آوردند و مأموران آن ها را جمع آوری می کردند. پیام ها را به پاهای کبوتران متصل می کردند. پس از جدا کردن پیام، کبوتر را رها می کردند تا به طرف لانه خود پرواز کند.

مرکب نامرئی

برای نوشتن پیام از مرکب های مخصوصی استفاده می کردند که روی کاغذ نامرئی می شد. دریافت کننده با استفاده از یک ماده شیمیایی مخصوص پیام را قابل مشاهده می کرد و آن را می خواند.



شیشه مرکب نامرئی



مرکب نامرئی آلمانی



خواندن پیام های دشمن

مأموران اطلاعات ارتش، مانند این سرباز بریتانیایی، نقش بسیار مهمی در بررسی و درک اسناد به دست آمده از دشمن داشتند. آن ها اطلاعات به دست آمده درباره نقشه ها یا روحیه دشمن را کنار هم می گذاشتند و برای فرماندهی ارشد نظامی می فرستادند.

تجزیه و تحلیل اسناد به دست آمده از آلمانی ها



شاهد عینی

ادیت کاول

ادیت کاول (۱۸۶۵-۱۹۱۵) پرستاری بریتانیایی بود که یک آموزشگاه پرستاری را در بروکسل، پایتخت بلژیک، اداره می کرد. او به سربازان مجروح متفقین کمک می کرد که از سرزمین های تحت اشغال آلمانی ها فرار کنند؛ فراریان گاهی بعضی از اسرار آلمانی ها را نیز به همراه می بردند. کاول دستگیر شد و او را به اتهام «خیانت در جنگ»، در سال ۱۹۱۵ تیرباران کردند.



روی دکمه

پیام رمزی پشت دکمه



پیام پشت دکمه

پیام های رمزی کوتاهی را که جلب توجه نمی کردند با مهر پشت دکمه ثبت می کردند و دکمه را به پالتو یا کت می دوختند.

پیام‌های پنهان شده

دو مأمور هلندی را، با پوشش واردکنندهٔ سیگار، به انگلستان فرستادند تا برای آلمانی‌ها جاسوسی کنند. آن‌ها از سفارش‌های سیگار به عنوان رمزی برای اعلام اسامی ناوهایی که در بندر پورتمث می‌دیدند، استفاده می‌کردند. در سال ۱۹۱۵ دستگیر و اعدام شدند.



سیگارهایی که آن‌ها را شکافته بودند تا پیام‌های رمزی پنهان شده را پیدا کنند.

قوطی کبریت

کمک به فرار

این قوطی کنسرو را برای ستوان چک شاو بریتانیایی فرستادند که در سال ۱۹۱۸ در اردوگاه اسیران جنگی آلمان در فرانسه زندانی بود. این قوطی حاوی نقشه، سیم‌چین، و قطب‌نما برای یک فرار دسته‌جمعی بود.



نقشهٔ لوله شدهٔ فرانسه

با استفاده از وزنه‌های سربی وزن قوطی را به اندازهٔ وزن واقعی آن رسانده بودند.



قطب‌نما

درپوش لنز

عدسی دوربین



دکمهٔ آزادسازی دریچهٔ دوربین (شاتر)

دوربین جیبی

این دوربین مینیاتوری در پوشش ساعت جیبی، برای عکاسی مخفیانه در آفریقای شرقی آلمان (که اکنون کشور تانزانیاست) به کار می‌رفت.

ماتا هاری

مارگارتا تسلهٔ هلندی رقصه‌ای معروف بود که نام هنری ماتا هاری را برای خود انتخاب کرده بود. او در میان افراد بلندمرتبهٔ دوستان بسیاری داشت که اطلاعات محرمانه را برایش فاش می‌کردند و او این اطلاعات را به سرویس مخفی فرانسه می‌داد. سرانجام یک دیپلمات آلمانی غلط در اختیار او گذاشت و در سال ۱۹۱۷، فرانسوی‌ها او را به عنوان جاسوس آلمانی‌ها کشتند.



فرهنگ اصطلاحات

اوراق قرضه جنگ (war bond) گواهی صادر شده توسط دولت، در مقابل سپردن مقداری پول. این پول برای کمک به تأمین هزینه‌های جنگ جمع‌آوری می‌شود و سپس با بهره بازپرداخت خواهد شد.



پرستارانی که سربازان تازه درمان شده را در حیاط بیمارستان به گردش برده‌اند.

آتشبار توپخانه (battery) تعدادی توپ که در موضعی برای گلوله‌باران دشمن استقرار یافته باشند.

آتش‌بس موقت (truce) توافقی برای متوقف کردن جنگ.

آتش‌زا (incendiary) بمب، گلوله، یا هر وسیله دیگری که برای ایجاد آتش‌سوزی طراحی شده است.

آنزاک (ANZAC) عضو ارتش استرالیا و نیوزیلند.

ارتفاع (altitude) فاصله از سطح دریا.

اژدر (torpedo) موشکی مجهز به سیستم پیشران که از کشتی یا زیردریایی شلیک می‌شود و در زیر آب حرکت می‌کند.

استار (camouflage) رنگ آمیزی طراحی شده برای محو شدن در زمینه محیط. در جنگ جهانی اول، از استار بیشتر برای پنهان کردن موضع توپ یا کشتی‌ها استفاده می‌شد، اما بعضی از سربازها هم قبل از گشت شبانه صورت خود را سیاه می‌کردند، و تک‌تیراندازها نیز لباس‌هایی با نقش‌ها و رنگ‌های مخصوص می‌پوشیدند تا کمتر به چشم بیایند.

استعفا (abdicate) کناره‌گیری از مقام یا قدرت.

اسهال (dysentery) بیماری عفونی روده‌ها که باعث شکم‌رُوش، و گاه خون‌آلود شدن مدفوع می‌شود و عامل بسیاری از تلفات بود.

اطلاعات (intelligence) مطالب نظامی یا سیاسی مهم، یا اداره یا سازمانی که این مطالب را جمع‌آوری می‌کند.

الفبای مورس (Morse code) رمز مورد استفاده برای نشان دادن حروف الفبا به وسیله دنباله‌ای از نقطه‌ها و خط‌ها، یا سیگنال‌های بلند و کوتاه نور یا صدا. به نام مخترع آن، ساموئل مورس (۱۸۷۲-۱۷۹۱)، نام‌گذاری شد.

اولتیماتوم (ultimatum) آخرین تقاضا، که اگر به آن عمل نشود، پیامدهای جدی خواهد داشت و ارتباط بین دو طرف کاملاً قطع خواهد شد.

بدنه هواپیما (fuselage) بخشی از هواپیما که سرنشینان یا بار هواپیما در آن قرار می‌گیرند.

بسیج (mobilization) آماده‌سازی نیروها برای خدمت فعالانه.



ماسک گاز با دستگاه تنفس مصنوعی کوچکی

بولی بیف (Bully beef) گوشت کنسروی نمک‌سود.

بی‌سیم (wireless) وسیله ارتباطی که پیام را با استفاده از سیگنال‌های رادیویی می‌فرستد.

بی‌طرفی (neutrality) خودداری از موضع‌گیری یا طرف‌داری از یک طرف.

پریسکوپ (periscope) وسیله‌ای با چند آینه که به کاربر امکان دیدن نقاطی را می‌دهد که در معرض دید مستقیم او قرار ندارند.

پناهگاه زیرزمینی (bunker) محلی که در زیر زمین ساخته می‌شود تا هنگام گلوله‌باران دشمن در آن پناه بگیرند.

پیاده‌نظام (infantry) سربازان پیاده.

تبلیغات (propaganda) اطلاعاتی که با هدف ایجاد دیدگاهی خاص در مردم، مثلاً از طریق انتشار پوستر، یا پخش از رادیو یا تلویزیون، مطرح می‌شود.

تخلیه (evacuation) انتقال و دور کردن افراد از محلی که در آن در معرض خطر قرار دارند.

ترکاندن (detonate) منفجر کردن یا باعث انفجار شدن.

ترک مخاصمه (armistice) پایان دشمنی. روز ترک مخاصمه، که اکنون به یکشنبه یادبود معروف شده است، هر سال در نزدیک‌ترین یکشنبه به ۱۱ نوامبر جشن گرفته می‌شود.

ترور (assassination) کشتن فردی به دلایل سیاسی.

تفاهم‌نامه (entente) توافق‌نامه‌ای دوستانه یا پیمان اتحاد غیررسمی بین کشورها.



یک افسر اطلاعاتی در حال بررسی عکس‌های هوایی گرفته شده از سنگرهای دشمن

تفنگ (rifle) سلاح گرم با لوله دراز، که در سطح شانه سرباز شلیک می‌شود.

تلگراف (telegraph) وسیله ارتباطی که با استفاده از سیگنال‌های الکتریکی ارسالی از طریق سیم، پیام رد و بدل می‌کند.

توپخانه (artillery) سلاح‌های سنگین، مانند توپ‌های صحرایی، و بخشی از ارتش که این سلاح‌ها را به کار می‌برد.

توپ صحرایی (field gun) توپ متحرکی که می‌توان آن را در مواضع مختلف مستقر کرد و علیه نفرات و سنگرها به کار برد.

تیربار (machine gun) تفنگ خودکاری که می‌تواند به سرعت و پشت هم شلیک کند.

جنگ فرسایشی (war of attrition) حمله‌های پیوسته برای خسته و فرسوده کردن دشمن.